


گونه‌شناسی مطالعات عاشورا در یکصد سال اخیر در حوزه علمیه قم*


سیدمحمد حسینی / استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه ادیان و مذاهب

sm.hosseini2@urd.ac.ir

 orcid.org/0000-0002-8363-1830

فاطمه شکیب‌رخ / دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثناعشری دانشکده تاریخ دانشگاه ادیان و مذاهب

shakibrokhh62@gmail.com

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷

چکیده

اهمیت رخداد عاشورا و اهتمام مورخان به ثبت آن از سده‌های نخست هجری به بعد، سبب شد تا سیر گسترده‌ای از مطالعات در این باره شکل بگیرد. این سیر در ادامه و در یکصد سال اخیر با محوریت حوزه علمیه قم و با تغییر روش‌های گذشته ادامه یافت. مطالعات صورت گرفته در این دوره متأثر از جریان‌های سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی، همچون تحولات انقلابی و فعالیت جریان‌های فکری سنتی‌اندیش، نواندیش و دگراندیش دینی و در جهت مقابله با برخی خرافات بوده است. این نوشتار با استفاده از روش «گونه‌شناسی مطالعات عاشورا» می‌کوشد تا با دسته‌بندی جریان‌های مؤثر، بیان کند که این مطالعات برخلاف رویکرد واقعه‌نگاری گذشته که تا عصر قاجار ادامه یافت، با اثرپذیری از جریان‌های پیش‌گفته و تبیین اهداف و تحلیل زمینه‌ها و پیامدهای عاشورا، نقشی اساسی در ایجاد رویکردی تبیینی و تحلیلی و ایجاد سیری تکاملی در این حوزه مطالعاتی داشته است.

کلیدواژه‌ها: مطالعات معاصر عاشورا، مطالعات عاشورا و سنت‌گرایان، مطالعات عاشورا و نواندیشان، حوزه علمیه قم، عاشورا پژوهی، سده اخیر.

گستره و پویایی ابعاد قیام عاشورا همپای ثبت تاریخ‌نگاری عاشورا در سده‌های نخستین تا حدود قرن پنجم هجری به‌گونه‌هایی دیگر، سبب پیدایش خوانش‌های عاشورایی برآمده از رویکردهای عرفانی، ادبی و کلامی گردید، به‌گونه‌ای که تداوم این امر در ادامه روند تاریخی خود، بستر ساز برداشت‌های ناهمگون، با چهره‌ای متمایز در عصر صفوی و سپس عصر قاجار و متأثر از فضای فکری و سیاسی حاکم در ساختار وقایع‌نگاری شد.

این دست از نگارش‌ها در کنار رشد جریان‌های فکری، نگرشی متبلور از قرائات احساسی، عرفانی، حماسی - اسطوره‌ای، فدیه‌ای و شهادت‌طلبی را توسعه می‌داد، به‌گونه‌ای که استمرار رویکرد مذکور در عصر قاجار و همپا با ظهور گرایش‌های نوگرا در قالب باورداشت سیاسی، سنتی‌اندیشان دینی و غیردینی با مبانی ملی‌گرایی (ناسیونالیستی) و با تأکید بر تاریخ‌زدگی، رشد آثار درباره قیام عاشورا را رقم می‌زد.

با گذار از عصر مشروطه و ورود جریان‌های انتقادی که پالایش و تزکیه خرافات نفوذ یافته در باورهای دینی را واجب می‌دانستند، دو طیف تجددگرا و نواندیش دینی سنتی، برای احیا و زدودن اضافات غیرواقع و پندارها از باورهای دینی همت گماردند. سیاست‌های دین‌زدای دولت پهلوی اول سبب رشد منتقدان مبانی و شعائر دینی گردید و در دوره پهلوی دوم، در پی تعدیل سیاست‌های ضددینی پیشین، رشد جریان‌های نواندیش دینی محقق شد. تلاقی فضای باز فکری با جنبش‌های انقلابی و دخالت‌های هدفمند دولت پهلوی دوم در دین‌زدایی و حمایت از جریان‌های فکری نوظهور، سبب شد تا مطالعات عاشورا علی‌رغم گذشته ظهوری جدید داشته باشد.

در این بین و در میان انبوه آثار برجای مانده در حوزه مطالعات عاشورا در یکصد سال اخیر، به‌واسطه دانش‌آموختگان و یا منتسبان به حوزه علمی قم، مطالعاتی صورت گرفته که نیازمند طبقه‌بندی، بررسی و تحلیل است. براین اساس و با توجه به مطلب یادشده، این پژوهش درصدد است تا با تمرکز بر این مسئله، به این سؤال پاسخ دهد که مطالعات عاشورا در یکصد سال گذشته در ایران و به‌طور خاص در حوزه علمی قم بر چه بسترهایی تحقق یافت و چه تأثیری بر سیر مطالعات عاشورایی داشته است؟

بدین‌روی تحقیق حاضر به صورت‌بندی مطالعات و شناخت و پردازش جریان‌های مؤثر به این دست مطالعات در حوزه علمی قم پرداخته و با تأکید بر این فرض که دو عنصر فکری و سیاسی در شکل‌گیری این مطالعات مؤثر بوده، به جمع‌آوری داده‌های تاریخی و تحلیل آن پرداخته است.

با توجه به کثرت آثار موجود از روحانیان در حوزه علمی در سده اخیر و برای حفظ اختصار، این پژوهش با مطالعه موردی چند اثر به‌مثابه جامعه آماری می‌کوشد هدف پژوهش خود را که طبقه‌بندی مطالعات انجام شده و بررسی نقش حوزه علمی قم و جایگاه تحولات فکری و اثرگذاری آن بر آثار بعدی است، دنبال کند.

اما آنچه این پژوهش را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد تمرکز بر دو عنصر «عاشوراپژوهی» و «حوزه علمی قم» با رویکرد گونه‌شناسانه و جریان‌شناسانه است، هرچند شاید بتوان مرتبط‌ترین اثر در این باره را چند رساله علمی در سطح دکتری و ارشد رشته «تاریخ» در دانشگاه ادیان و مذاهب دانست.

رساله دکتری *آسیب‌شناسی مطالعات معاصر عاشورا، از پهلوی اول تا انقلاب اسلامی*، اثر سیدمحمد حسینی، با هدف بررسی نقادانه به برخی آثار منتشرشده در این دوره تدوین گردید. محور این پژوهش بر پایه آسیب‌های موجود در مطالعات برجای مانده از این دوره، یعنی از سال ۱۳۰۵-۱۳۵۷ است. از این رو و با عنایت به تفاوت هدف این اثر با این پژوهش، می‌توان گفت که این اثر به جهت هدفگذاری مسیر دیگری را می‌پیماید.

رساله دکتری *گونه‌شناسی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورایی از مشروطه تا ابتدای انقلاب اسلامی (۱۳۰۷-۱۳۸۵ ش)*، اثر سیدمحسن طباطبایی که به نوعی وابستگی محتوایی با اثر قبلی دارد، تفاوت‌هایی در هدف و مسئله با این پژوهش دارد. این پژوهش با تأکید بر وجود قرائت‌ها و رویکردهای عاشورایی از اواخر مشروطه، به بررسی عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری قرائت‌های برجای مانده از عاشورا می‌پردازد.

همچنین مقاله «دگراندیشی و نقش آن بر مطالعات عاشورا در دوره معاصر» از سیدمحمد حسینی به جریان‌شناسی عاشوراپژوهی در تاریخ معاصر می‌پردازد و در این مقاله، در بخش جریان‌شناسی و صورت‌بندی جریان‌های فکری موجود در حوزه علمیّه از آن استفاده شده است.

مقاله «تحلیلی بر نگرش‌های عاشوراپژوهی در آثار خاندان آیتی بیرجندی»، اثر محمد ولی‌پور، همانند آثار گذشته در هدف‌گذاری با آنچه این پژوهش به دنبال آن است، تفاوت‌های معناداری دارد. این اثر که در جهت معرفی آثار برجای مانده از خاندان آیتی (محمدباقر، محمدابراهیم و محمدحسین آیتی) است، به دنبال کشف گفتمان این خاندان در عاشوراپژوهی است.

عنوان مقاله پیش‌رو گویای این نکته است که اولاً، مطالعات عاشورا در حوزه علمیّه قم، همانند زمان‌های گذشته به صوت فعال وجود داشته و ثانیاً، متأثر از جریان‌های فکری و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی بوده و ثالثاً، با وجود مطالعات گذشته، رویکردی تحلیلی و پژوهشی به خود گرفته است. از این رو می‌کوشد تا با توجه به گستردگی این جریان‌ها و آثار مرتبط با عاشورا، به ارائه مطالب و مستندات، گونه‌شناسی، جریان‌های مؤثر و همچنین آثار برجای مانده از این جریان‌ها بپردازد.

۱. مفهوم‌شناسی

برای روشن شدن مفاهیم کلیدی و مؤثر در این مقاله، لازم است مفاهیمی همچون «مطالعات» و «گونه‌شناسی» تعریف شود تا مفهوم «گونه‌شناسی مطالعات عاشورا» مشخص گردد.

در مفهوم‌شناسی واژه «مطالعات» می‌توان گفت: مطالعات در هر رشته یا هر حوزه علمی، مجموعه مطالب اندیشیده شده و بیان گردیده با رویکرد انتقادی و تحلیلی و دارای نظم و انسجامی درونی و رابطه‌ای روشی و محتوایی است.^۱ برای مثال در مفهوم‌شناسی «مطالعات» در حوزه مباحث فرهنگی آمده است: مطالعات فرهنگی

۱. سیدمحمد حسینی، *آسیب‌شناسی مطالعات معاصر عاشورا (از پهلوی اول تا انقلاب اسلامی ۱۳۰۵-۱۳۵۷ ش)*، ص ۱۶.

شاخه‌ای از نظریه انتقادی و مجموعه آثار گوناگونی با جهت‌گیری‌های متفاوت و معطوف به تحلیل انتقادی اشکال و فرایندهای فرهنگی در جوامع معاصر و نزدیک به معاصر است.^۱

براین اساس، «مطالعات عاشورا» در این پژوهش، به معنای مجموعه دیدگاه‌ها و نظریات بیان شده و یا مکتوب درباره شناخت واقعه عاشورا و تبیین و یا تحلیل آن و باورهای مرتبط با آن است که به بررسی شناختی و یا انتقادی درباره تاریخ، باورمندی، هدف‌شناسی و تحلیل فلسفه قیام امام می‌پردازد.

همچنین مفهوم «گونه‌شناسی» نیز در این مقاله با توجه به این تعریف از این مفهوم، یعنی: طبقه‌بندی گونه‌های یک پدیده که به یک مجموعه وابسته است و در نسبت‌سنجی با دیگر اعضای این مجموعه دارای یک یا چند ویژگی مشترک باشد و در جهت مشخص ساختن اشتراک‌ها و افتراق‌ها صورت پذیرد.^۲

از این رو «گونه‌های مطالعاتی» در این پژوهش به معنای برداشت یا خوانش یک نگارنده حوزوی در تشریح واقعه عاشورا و فلسفه آن است. بر مبنای این تعریف و در این مقاله، مجموعه آثار مکتوب درباره عاشورا در حوزه علمیه قم به مثابه یک پدیده تاریخی و عوامل مؤثر در جهت دسته‌بندی مطابق با روش، رویکرد و میزان اثرپذیری از جریان‌های فکری بررسی و ارزیابی خواهد شد. بدین‌سان منطق گونه‌شناسی بر پایه نسبت هر مؤلف یا اثر با جریان فکری است. براین اساس مطالعات صورت‌گرفته در هر جریان، معرف یک گونه از مطالعات عاشورا در حوزه علمیه خواهد بود.

«حوزه علمیه قم» از مهم‌ترین مراکز علمی شیعیان و یکی از سه حوزه کهن حدیثی در تاریخ علمی جهان تشیع است که در قرن اخیر توسط عبدالکریم حائری یزدی در سال ۱۳۰۱ش با تبعید برخی مراجع عظام از عتبات به ایران و انتقال حوزه علمیه اراک به قم حیاتی دوباره یافت.^۳ با رحلت ایشان دوران مشترک سرپرستی آیات ثلاث (سیدصدرالدین صدر، سیدمحمد حجت کوه‌کمره‌ای و سیدمحمدتقی خوانساری) آغاز شد. همزمانی زعامت آیات با سیاست‌های دین‌زدایی و ضربات سهمگین رضاخان بر پیکره حوزه، همت و مراقبت آنان در جهت صیانت از آن را مضاعف گرداند.^۴ پس از آن، با هدایت آیت‌الله سیدحسین بروجردی (۱۳۶۴-۱۳۸۰ق) نقطه عطف تاریخ حوزه علمیه رقم خورد؛ احیای مدارس، کتابخانه‌ها، درس، تبلیغ، نشریات و علوم اسلامی در سطح عمیق و گسترده‌ای فعال شد.^۵

نقش حوزه علمیه قم در راهبری فکری در سده اخیر، هیچ‌گاه لحظه‌ای فرونگاهیده و همچنان این حوزه کوشیده است تا در همه عرصه‌های مرتبط حضوری فعال داشته باشد. این نقش‌آفرینی در چنین سطحی سبب شده

۱. جان استوری، مطالعات فرهنگی در فرهنگ عامه، ص ۳۰.

۲. غلامعباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ص ۹۲.

۳. علی‌اکبر زهره کاشانی، تاریخ ۱۲۰۰ ساله حوزه علمیه قم، ص ۱۰۳-۱۰۵.

۴. همان، ص ۱۱۷ و ۱۲۶-۱۲۷.

۵. همان، ص ۱۴۵-۱۵۵.

است تا توسط این نهاد دینی آثار متعددی در قالب مقاله، کتاب و یا رساله‌های علمی نوشته شود. اما تلاقی دو بحث «مطالعات عاشورا» و «حوزه علمیه قم» را تنها می‌توان در آثار علمی مرتبط با حوزه تخصصی عاشورا یافت. البته ارتباط مؤلفان حوزوی آثار تاریخی در این حوزه نیز بارها در آثار متعدد با عناوین گوناگون مدنظر قرار گرفته است.

۲. جریان‌شناسی مطالعات معاصر عاشورا

نوگرایی (مدرنیته) و پذیرش مبانی آن توسط نواندیشان و نخبگان ایرانی در یکصد سال اخیر، مهم‌ترین چالش جریان‌سازی بود که مولد حرکت و التقاط باورمندان به روشنفکری گردید. حاصل این باورداشت، مرزبایی روشنفکران دینی و غیردینی در برابر سنت‌گرایان مذهبی و غیر آن شد. در این رابطه، جریان شاخص نواندیش غیردینی با پایبندی به اصول و مبانی غربی، اسلام و آموزه‌های آن را بر پایه ابزارانگاری و نسبیّت کارکردگرایانه (پراگماتیسمی)^۱ و ملی‌گرایی آماج تاخت و تاز قرار داد. الگوآوری غرب در کنار نهادن پندار و مبانی دینی،^۲ تخطئه برخی اندیشه‌های تشیع و هجوم به اصول مظاهر شیعی،^۳ نفی و نقد هرگونه عزاداری شیعیان و رهبران سیاسی در ایام عاشورا به بهانه دفع روح شادی و کامرانی در بین عموم،^۴ و تکاپوی انتقادی پیروان این دیدگاه بود که به‌منظور تطهیر خرافات جاری انجام شد.^۵ در حقیقت دایره فکری اوهام در منظر نواندیشان غیرمذهبی و تصمیم‌مجدانه بر حذف آن، بر غالب مبانی دینی گسترانیده شده بود.

میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۵۷-۱۱۹۰ ش)،^۶ میرزا عبدالحسین آقاخان کرمانی (۱۲۷۵-۱۲۳۲ ش)^۷ و احمد کسروی از متفکران ملی‌گرای سکولار و حتی دین‌ستیز بودند که آراء و نظریاتشان تأثیر بسیاری در زمینه‌سازی و پیدایش مبانی فکری دگراندیشان گذارد؛ چنان‌که کسروی با نقد باورهای درون‌مذهبی و سنت‌ها،^۸ از جمله «مهدویت» و «عاشورا»، بر ابتدای خردورزی و نگرش عقل‌منهای نقل تأکید می‌کند و هرچه از مبانی و عقاید مرسوم که بر مبنای عقلی و یا گزارش‌های تاریخی مستند، استوار نباشد در محدوده خرافات وی معدوم شمرده می‌شود.^۹

۱. «پراگماتیسم» در سیاست به معنای «واقع‌گرایی و مصلحت‌گرایی» است و براساس آن، تمام تصورات، مفاهیم، قضاوت‌ها و نظرات ما قواعدی برای «فتار» (پراگما) ما هستند، اما

حقیقت آنها تنها در سودمندی عملی‌شان برای زندگی ما نهفته است (ر.ک: ش. م. بهرنگ، دائرةالمعارف روشنگری، واژه «پراگماتیسم»).

۲. فریدون آدمیت، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۳. احمد کسروی، شیعه‌گری، ص ۱۱.

۴. فریدون آدمیت، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، ص ۲۵۶، به نقل از: دو کتاب تکوین و تشریح و هفتاد و دو ملت.

۵. ر.ک: احمد کسروی، در پیرامون اسلام، ص ۵۱.

۶. فریدون آدمیت، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، ص ۲۱۰.

۷. فریدون آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۳.

۸. احمد کسروی، در پیرامون اسلام، ص ۵۹ و ۴۹.

۹. ر.ک: احمد کسروی، شیعه‌گری، ص ۵۳.

رشد جریان برانداز دینی پس از مشروطه،^۱ زمینه‌ساز رشد اصلاحات دینی و خوانش تازه‌ای در فهم دین و مذهب، خاصه واقعه عاشورا، در دوره پهلوی اول و دوم شد. از این رو با تداوم سیر روند مواجهه مذکور و ورود مباحث تجددگرایی در ثغور اعتقادات دینی، مطالعات عاشورایی نیز با ابتلا به دگراندیشی نوین، کارکردی متفاوت از میراث پیشین ارائه داد. در این رابطه، جریان نواندیش دینی تجددگرا با باور به بنیادهای نوگرایی، عقل نقاد نوین را ابزار خود در فهم سنت و دین قرار داد^۲ و درصد سازگاری سنت دینی با نوگرایی برآمد.

تأثیرپذیری این جریان از اصول و مؤلفه‌های تجدد؛ مانند فردگرایی، علم‌گرایی، انسان‌گرایی، سنت‌ستیزی و برخی از اصول مارکسیسم و سوسیالیسم، در عین تأکید بر حفظ مبانی دینی، از علل نام‌گذاری این وجه تسمیه است.^۳ روحانیان معتقد به این پنداشت^۴ به تدریج تحت تأثیر بایسته‌های فرهنگی تجددخواهی مشروطه و بعد از آن، به جرگه نواندیشان تجددطلب پیوستند.^۵

در مقابل، جریان رسمی در حوزه علمی قم جریان مذهبی سنتی بود. جریان مذهبی در ایران عصر پهلوی توسط روحانیت شیعه رهبری می‌شد و در تطور تاریخی حضور تشیع در ایران نقشی برجسته ایفا می‌نمود. این جریان در قالب نهاد مرجعیت در دوره پهلوی نیز همانند گذشته در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و دینی یکی از جریان‌های اثر گذار به‌شمار آمده و در پیدایش مطالعات عاشورایی در ادوار گوناگون حیات علمی شیعه نقش اساسی و محوری داشته‌اند. اما این جریان نیز در دل خود شاهد تحولات فکری تازه‌ای شد.

اهتمام به مقابله با پندارها و خرافات که با خیزش رویکردهایی مبتنی بر دگراندیشی و امحای باورهای دین‌مداری در ایران شکل گرفته بود، سبب می‌شد تا در دل جریان مذهبی گروه‌هایی متأثر از دگراندیشی، به رویکرد اصلاح دینی و نقد باورهای رایج روی آورند. با توجه به تأثیرپذیری این جریان از تفکر قرآنیانی مثل خرقانی (۱۳۱۵-۱۲۱۷ش) و سنگلجی (ف ۱۳۲۲ش)،^۶ در جریان شناسی‌های اخیر، هم عنوان «قرآن‌بندگان» به خود گرفت و هم به جریان «نوسلفی» معروف شدند و راه برون‌رفت از چالش‌های دنیای معاصر را در مراجعه به متون مقدس دانستند.^۷

۱. رک: رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی ایران، ص ۷۰۳.

۲. عباس کاظمی، جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران، ص ۸.

۳. مسعود پورفرد، صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴۹.

۴. از چهره‌های شاخص این تفکر خالصی‌زاده بود که به علت بیان اظهاراتی درباره آیین‌ها و رسومات تشیع آماج انتقاد و اتهام به وهابیت واقع شد. ایرادهای وی به برخی دعاها یا تکیح مراسمی همچون زنجیرزی و گل مالی در عزاداری امام حسین^{علیه السلام} شایان ذکر است (رک: محمد خالصی‌زاده، رسایل سیاسی آیت‌الله شیخ محمد خالصی‌زاده، ص ۱۵۰ و ۱۵۴؛ هاشم دباغ، صفحات مشرقه من الجهاد الدینی و السیاسی لعلماء العراق، ج ۱، ص ۱۵۹).

۵. رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی ایران، ص ۸۰۸.

۶. سیداسدالله خرقانی، محو الموهوم و صحو المعلوم، ص ۱۸-۱۹؛ شریعت سنگلجی، محو الموهوم، ص ۱۱-۱۵.

۷. مسعود پورفرد، صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۲۹.

۳. گونه‌شناسی مطالعات معاصر عاشورا در حوزه علمیّه قم

پس از شکل‌گیری جریان‌های فکری نوین در دوره پهلوی اول و دوم، زدایش و مبارزه با خرافه‌پذیری، به سبب دفاع، نقد و تشریح حقایق عاشورا و حرکت‌های اعتراضی علیه دستگاه حاکم در جهت تحقق انقلاب اسلامی، نگارندگان حوزه علمیّه قم را برانگیخت تا با اتخاذ گرایش‌های جدید، در حوزه‌های گوناگون مطالعاتی، به عاشورا پژوهی اهتمام ورزند. برخی از این مؤلفان در حوزه قم که به سبب تدریس و یا تعلیم در حوزه علمیّه قم معروف هستند، به‌منزله نمونه داده‌های موجود در این پژوهش بررسی خواهند شد.

۳-۱. مطالعات سنت‌گرایان

در ایران پس از مشروطه (از قریب سال ۱۳۰۰ش) تا برآمدن انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش) مطالعات عاشورا در قالب فکری جریان‌های موجود مدنظر قرار گرفت. در این دوره گروه‌های مختلف فکری، به‌ویژه روحانیت دینی در حوزه علمیّه قم، به سبب سیاست‌های تساهلی پهلوی اول نسبت به تفکرات مارکسیستی و کمونیستی در ایران، رشد قابل‌توجهی یافتند و با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای همچون مجلات علمی و فرهنگی به پایه‌ریزی مبانی تفکری خویش و تثبیت آن در جامعه سنتی ایران پرداختند. یکی از مهم‌ترین این جریان‌ها - که بدان اشاره شد - جریان دینی سنتی است.

حوزه علمیّه قم در دوره احیای مجدد خود به زعامت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری (۱۲۳۹-۱۳۱۵ش) شاهد دو جریان «دگراندیش دینی» و «جریان دینی» رایج به زعامت مراجع دینی، به صورت فعال در میان طلاب و روحانیان بود که بر پایه مقابله با پندارها و خرافات شکل گرفتند. جریان دگراندیش که با هدف اصلاح دینی کوشید تا رویه جدیدی در باورمندی ارائه کند، همانند جریان مرجعیت، در مباحث عاشورانگاری نیز گام‌هایی برداشت.

۳-۱-۱. مطالعات سنت‌گرایان دگراندیش (اصلاح دینی)

همان‌گونه که گفته شد، این جریان را که می‌توان از آن به «نوسلفی» هم یاد کرد، جریانی فعال بود که مظاهر مذهبی شیعه را سخت به انتقاد گرفته، می‌کوشید تا با پیراستن دین از باورهای خرافی، تصویر واقعی از دین اسلام به جامعه آن روز ارائه کند.^۱ روحانیان متعددی در این جریان فعال بودند که برخی از آنها مثل شریعت سنگلجی (ف ۱۳۲۲ش) و سیداسلام‌الله خرقانی (۱۳۱۵-۱۳۱۷ش) از حوزه تهران بودند، اما تفکرات آنان در حوزه علمیّه قم نیز مؤثر افتاد. در این پژوهش برای رعایت اختصار به بررسی افکار و آثار برخی از شخصیت‌های فعال این جریان اشاره پرداخته خواهد شد. این جریان که به تعبیر رسول جعفریان متأثر از تفکرات کسروی در نقد مذهب و دین بود،^۲ رویکرد اصلاح دینی به خود گرفته بود. کتاب‌های این جریان در قالب نقد باورهای مذهبی کاملاً گویای همسویی این تفکر با جریان سلفی است. کتاب *اسرار هزار ساله* (چاپ شهریور و مهر ۱۳۲۲ش) از علی‌اکبر حکمی‌زاده نمونه‌ای از این

۱. شریعت سنگلجی، توحید عبادت، ص ۲۰-۲۲.

۲. رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی ایران، ص ۷۲۰.

آثار است که به اصول باورهای شیعی تاخت. این اثر که در دفاع از اصلاحات مذهبی رضاشاه تألیف شد، حلقه‌ای از حلقات فعالیت علیه باورها و عقاید رایج بود که توسط جریان کسروی حمایت می‌شد.^۱

وی که از قریب سال ۱۳۱۲ش متأثر از نهضت «اصلاح دینی رضاشاهی» به همراه برخی دیگر از طلاب (مثل سیدحسین بدلا) در مجله **همایون** قلم می‌زد، مقالاتی درباره عاشورا و امام حسین علیه السلام و روضه‌خوانی‌ها نگاشت. از جمله این مقالات مقاله «فداکاری برای دین» و مقاله «منبر و روضه‌خوانی» است که در آن علاوه بر بررسی اجمالی قیام امام حسین علیه السلام، تنها راه‌هایی جامعه از ظلم‌پذیری را کشته شدن امام دانست. وی اساس حرکت امام را تحریک اجتماع ظلم‌پذیرفته دانست و با توجه به این نکته که مردم حاکمان ظالم را که ظلمشان بیش از اندازه شود، برنخواهند تافت، معتقد بود:

حسین علیه السلام همین معنی را در نظر گرفت و لذا به طوری زمینه را برداشت که مصیبتش بزرگ‌ترین مصیبات باشد؛ چنان که این معنی از همه کارهای او به خوبی هویدا است؛ مانند همراه آوردن عیال، با اینکه می‌دانست در آنجا تاج و تخت بی‌منزعی برایش نگذاشتند، و یا آوردن طفل خود را در برابر لشکر با اینکه بی‌رحمی آنها را به خوبی می‌دانست، و یا همراه آوردن نزدیکان و اصحاب خود با اینکه به خوبی روشن بود که همگی کشته خواهند شد، و یا دیگر جزئیات کار او که ذکرش باعث طول است.^۲

این جملات وی در دوره‌ای (اردیبهشت ۱۳۱۴) در نشریه **همایون** در شهر قم به چاپ می‌رسید که وی به لحاظ فکری هنوز وارد مرحله تندروی (پس از شهریور ۱۳۲۲) خود نشده بود، اما به تدریج به نقد پندارهای موجود درباره عاشورا پرداخت. وی با همین رویکرد، به انتقاد از نوع مطالعه و نگارش درباره عاشورا پرداخت و آن را مملو از دروغ درباره امام دانست و از این رو این‌گونه مطالعات را ستم به امام تلقی کرد.^۳

رویکرد خرافه‌زدایانه و تحلیل‌های این طیف فکری سبب می‌شد تا در اعتماد به گزارش‌های منابع اهل سنت، همت گمارده، آن را بر روایات شیعی در مطالعات عاشورا ترجیح دهند. شاید این بدان سبب بود که ملاک پذیرش روایت را مطابقت با قرآن و عقل می‌دانستند؛ به این علت که عمده روایات و مجامع روایی و مؤلفان شیعی را گرفتار غلو می‌دیدند. بدین‌روی در استفاده از این منابع، چشم بسته، روایات و منابع روایی اهل سنت را به این علت که روایات آنان از دسّ غلات و کفار دورتر است،^۴ ترجیح دادند.

کتاب **فلسفه قیام مقدس حسین علیه السلام** مجموعه سخنرانی‌های شیخ محمد خالصی‌زاده یکی از رهبران جریان اصلاحات در عصر پهلوی / اول بود که توسط شاگردش، **حیدرعلی قلمداران**، با اضافه شدن مقدمه‌ای، ترجمه شد و به چاپ رسید. تاریخ دقیق نگارش این اثر مشخص نیست، اما با توجه به مباحث پایانی مقدمه مترجم که آن را مربوط به سوم شعبان ۸۱ می‌داند، محتمل است قریب سال ۱۳۴۱ شمسی، یعنی دو سال قبل از

۱. همان، ص ۴۱.

۲. ر.ک: علی‌اکبر حکمی‌زاده، «فداکاری برای دین».

۳. ر.ک: علی‌اکبر حکمی‌زاده، «منبر و روضه‌خوانی، ص ۲۳ و ۲۴».

۴. محمد خالصی‌زاده، **فلسفه قیام مقدس حسینی**، ص ۵۸.

درگذشت مؤلف باشد. وی از ۵۸ صفحه کتاب، ۲۰ صفحه را به نقل اخبار مستقیم درباره فضایل امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا از منابع اهل سنت مثل *اسدالغابه*، تفسیر قرطبی (*الجامع لاحکام القرآن*)، مسند ترمذی (*جامع الترمذی*)، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، و *مسند احمد حنبل* اختصاص داده است.^۱ وی در اعتماد به گزارش‌ها، گاه فاصله زیادی از پیشینه کلامی خویش گرفته و با اعتماد کامل و بدون بررسی و یا نقد، همه آنچه را در منابع اهل سنت آمده است، نقل می‌کند.^۲

۲-۱-۲. مطالعات سنت‌گرایان مذهبی

نفوذ و رواج گسترده روشنفکری با عناوین گوناگونی مانند «تجدیدنظرطلبان» و یا «نواندیشی ضددینی در ایران» که با هدف ترویج عقلگرایی و مقابله با پندارها و خرافات صورت پذیرفت، به زودی جایگاه خود را در میان جامعه دینی باز نمود و منجر به بروز شبهات متعددی شد. مدرسان و مؤلفان حوزه علمیه قم در دوره پهلوی برای پاسخ به این شبهات وارد عرصه شدند. این جریان که به‌مثابه جریان رایج به زعامت مرجعیت دینی فعال شمرده می‌شد، دو رویکرد «سنتی» و «نواندیشی مذهبی» را در دل خود داشت.

«جریان سنتی» به جریانی گفته می‌شود که در مبانی خود، برخلاف جریان‌های روشنفکری، اصول نوگرایی و شیوه‌های آن را نپذیرفت و تلاش می‌کرد با تمسک به مبانی دینی بر حفظ آن تأکید کند. نواندیشان مذهبی نیز متفکرانی بودند که با عنایت به علوم جدید و مباحث دانشگاهی و با حفظ مبانی سنتی و مذهبی به مطالعه شبهات جدید و پاسخ آن با روش‌های جدید تأکید می‌ورزیدند.

مطالعات انجام‌شده درباره عاشورا، توسط این جریان قابل توجه بود و بیشترین سهم در مطالعات انجام‌شده در یکصد سال اخیر را به خود اختصاص داده است. این دست از عالمان دینی در جهت دفاع از مذهب، بر حفظ دستاوردها و میراث گذشتگان به شیوه‌های سنتی اهتمام داشته‌اند. این جریان را می‌توان با دو رویکرد «سنتی با تحفظ بر مقتل‌نگاری» و رویکرد «تحلیلی» دسته‌بندی کرد.

شاید بتوان چهره‌های شاخص علمی و صاحب تألیف رویکرد سنتی را بزرگانی همچون محدث قمی (ف ۱۳۴۴ش)، ملامحمد مهدی حائری *مازندرانی* (ف ۱۳۴۴ش)، و محمدعلی خلیلی دانست که در اواخر عصر مشروطه و عصر پهلوی اول می‌زیستند.

همچنین از شاخص‌ترین افراد رویکرد «تحلیلی» در دوره پهلوی دوم تا انقلاب اسلامی، می‌توان از افرادی همچون میرزا خلیل کمرهای (۱۳۶۳-۱۲۷۷ش)، شهید سیدمحمدعلی قاضی طباطبائی (۱۳۵۸-۱۲۹۳ش)، شهید مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸ش)، لطف‌الله صافی گلپایگانی (۱۲۹۷-۱۴۰۰ش)، شیخ علی‌پناه اشتیاردی

۱. همان، ص ۸-۲۸.

۲. برای نمونه، وی در بحث «فضائل امام حسین علیه السلام در دوره امام حسن علیه السلام»، مواضع امام حسین علیه السلام را در مقابل امام حسن علیه السلام نقل کرده است، به‌گونه‌ای که امام حسین علیه السلام از کارهایی که برادرش حسن علیه السلام انجام می‌داد، کراهت داشت؛ مانند تسلیم شدن به معاویه که به ایشان گفت: تو را به خدا قسم می‌دهم، اگر کردار معاویه را تصدیق کنی مثل این است که کردار پدرت را

تکذیب کردی! امام حسن علیه السلام به او فرمود: ساکت باش که من کار را بهتر از تو می‌دانم! (همان، ص ۱۱).

(۱۳۸۷-۱۳۹۶ش)، و رضا استادی نام برد. این جریان که می‌کوشید با حفظ چارچوب کلامی به پاسداری از باورها و عقاید بپردازد، در حوزه علمی و در طبقه فقها و متکلمان آن خلاصه می‌شد. مطالعات عاشورایی این جریان فکری در دوره پهلوی دوم در جریان کتاب **شهبید جاوید** رشد زیادی داشت، به گونه‌ای که همه افراد نام برده شده در دوره پهلوی دوم سهمی در این مطالعات ایفا نمودند.

۱-۳-۳. رویکرد سنتی با تحفظ بر مقتل‌نگاری

مقتل‌نگاری در یکصدسال اخیر پس از فراز و فرودهای فراوان نیز همچون دیگر آثار و مطالعات انجام‌شده، روند تکاملی داشته است. در اوایل سده اخیر، مجموعه‌ای نه‌چندان زیاد از مقتل‌نگاری‌ها با روش «توصیفی» و نقل صرف وجود داشت که می‌توان آن را میراث ادوار گذشته دانست. در این روش نقش منابع عصر قاجار بسیار پررنگ بود و همین علت نمی‌توان آن آثار را با وجود پرداختن به تاریخ عاشورا، دارای سبک تاریخی دانست. آثاری همچون **نفس المهموم** و **منتهی الامال محدث قمی** و **معالی السبطین مازندرانی** از این دسته‌اند. اما در ادامه و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در تطور مقتل‌نگاری، آثار ارزشمندی در حوزه مقتل‌پژوهی با هدف بررسی و تحقیق در مقاتل و گزارش‌های موجود در منابع متعدد تاریخی و روایی تدوین شد که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

۱-۴-۱-۳. رویکرد سنتی و توصیفی مقتل‌نگاری

روش تدوین آثار سنتی میراثی ماندگار از مقتل‌نگاری‌های اعصار پیشین بود. با بررسی این آثار شاید بتوان ویژگی این آثاری را چنین بیان کرد:

- گزینش رویکرد تاریخی در عین حفظ اصالت اخبار؛
- بهره‌برداری از داده‌های تاریخی بدون جرح و تعدیل و گزینش و تمرکز بر نقل صرف با حفظ چارچوب کلامی؛^۱
- استفاده از سبک و روش سابق مؤلفان عصر قاجار و پیش از آن در تدوین آثار؛
- کنار نهادن تاریخ در صورت تناقض بین تاریخ و کلام؛
- پرداختن به تاریخ رخداد بدون توجه به نگارش هدف‌شناسانه و ماهیت‌شناسی؛
- ارج نهادن بر باورهای عامیانه غیرمستند و در مواردی غلوآمیز^۲ که رهاوردی ناهمگون با عنصر عزت‌طلبی قیام امام علیه السلام^۳ دارد.

۱. محمدباقر کمرای، *رموز الشهادت*، ص ۱۸۲.

۲. تعداد کشته‌شدگان به دست یاران امام را زیاد جلوه می‌داد که از عقل بشری بدور است. در ساعتی یا کمتر از ساعتی چگونه می‌توان دویست تن را کشت؟ (عباس قمی، *نفس المهموم*، ص ۱۴۲؛ محمد مهدی حائری مازندرانی، *معالی السبطین*، ج ۱، ص ۶۴ و ۶۹).

۳. به‌رغم نقل شیخ مفید و طبرسی در *الاحتجاج* به رد داستان شهادت طفل شیرخواره (که امام او را برای رفع عطش به سوی دشمن برد) که با عنصر عزت‌طلبی قیام امام علیه السلام سازگاری ندارد، اما قمی در آثارش بدان اشاره کرده است. همچنین ذیل نقلی از ابن‌شهر آشوب، از ابومخنف، از جلودی، بی‌هیج جرح و تعدیل و نقدی، گزارشی را درباره تعارف امام علیه السلام و اسبش بر سر نوشیدن آب در فرات نقل می‌کند که در آن امام علیه السلام وارد شریعه فرات شدند و بدون توجه به تشنگی زنان و کودکان، خود شروع به نوشیدن آب کردند، که قبل از نوشیدن، کسی امام علیه السلام را از حمله به خیام آگاه کرد و امام علیه السلام نوشیدن را رها ساخت! (همان، ص ۱۶۴)

– اتخاذ رویکرد عواطف‌محور مؤلف در شرح اتفاقات عاشورا، از جمله ولادت حضرت امام حسین علیه السلام از نزول جبرئیل در زمان ولادت ایشان و خبر از سر بریدن و شهادت آن حضرت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام و تصریح بر موضوع «عطش» در کربلا.^۱

تخصص این مؤلفان سنتی در حدیث‌نگاری و یا اهتمام در صرف نقل تاریخی و روایی، آثار مذکور را از رویکرد «اجتهادی» دور ساخت و ضمن تأثیر بر روش «عاشوراپژوهی»، آسیب‌های مطالعاتی را به‌واسطه حذف سلسله اسناد^۲ در این آثار متوجه اثر کرده است. همان‌طور که گفته شد مجموعه آثار مرتبط با حوزه عاشورا در دوره پهلوی اول مثل آثار محدث قمی، حائری مازندرانی از این‌گونه‌اند.

۲-۱-۱-۳. رویکرد پژوهشی به مقاتل

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مطالعات عاشورا بنا به تحولات سیاسی و فکری دچار تغییراتی در روش شد و از جستارهای تحلیل‌گرایانه مجدداً به تاریخ‌نگری مستند و بازنمایی واقعه عاشورا سوق یافت^۳ و غالب نوشتارهای عاشوراپژوهی با تمرکز بر «مقتل‌نگاری» که شاخه‌ای از عاشورا نگاری بود،^۴ درصد بازنمایی برآمدند.

مقتل‌نگاری معاصر را می‌توان با رویکردهای گوناگون، از جمله ترجمه یا بازنمایی مقاتل پیشین، معرفی گزارش‌های منابع عاشورایی، نگرش نقادانه به مقاتل پیشین، و ارائه مقاتل جامع دسته‌بندی نمود. کتاب **مقتل جامع سیدالشهدا** علیه السلام اثری پژوهشی است که از سوی از گروهی تاریخ‌پژوهان در دو مجلد، زیر نظر مهدی پیشوایی به انتشار رسید.^۵

چارچوب پژوهشی اثر بر گردآوری متون از مقاتل معتبر و ارائه مقتلی جامع و مستند با تکیه بر معیارهای علمی تاریخ‌نگاری و متناسب با نیازهای دوران معاصر، افزون بر گفتار و شیوه‌ای نوین، در جهت پیراستن تحریفات عاشورایی^۶ بنا شده است. علاوه بر آن، پالایش محتوا و منابع مقتل جامع در طی مراحل مفصل^۷ و بهره‌مندی کتاب از منابع متعدد،^۸ به همراه پاسخ به شبهات عاشورا، ارزش علمی اثر را در جایگاه ویژه‌ای قرار داده است.^۹

۱. رک: محمد مهدی حائری مازندرانی، *معالی السبطین*، ص ۳۱۴-۳۲۶.

۲. رک: رحمت‌الله بانسی، *تاریخ‌نگاری محدث قمی*، ص ۱۱۴.

۳. کتاب‌هایی مانند *مقتل‌الحسین از مرقم: دانشنامه امام حسین* علیه السلام، از محمد ری‌شهری، ج ۷؛ *پژوهشی در مقتل‌های فارسی*، از مجاهدی؛ *مقتل‌الشمس: تحقیق و تحلیل تاریخ نهضت حسینی*، از صاحبی؛ *تصحیح و منبع‌شناسی کتاب الملهوف*، از صادقی کاشانی، و غیر آن.

۴. گروهی از تاریخ‌پژوهان، *تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا* علیه السلام، ج ۱، ص ۴۳.

۵. چاپ اول کتاب در سال ۱۳۸۹ ش است.

۶. گروهی از تاریخ‌پژوهان، *تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا* علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹-۳۰.

۷. همان، ص ۳۱ و ۳۲-۳۳.

۸. در کتابنامه جلد اول، ۵۴۴ کتاب نام برده شده است (رک: همان، ص ۹۰۵-۹۴۷).

۹. همان، ص ۳۰-۳۲.

مشخصه دیگر پژوهش توجه به موضوعاتی است که در مقاتل دیگر کمتر به چشم می‌خورد. واکاوی بسترهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی واقعه عاشورا، فلسفه و سیر تاریخی عزاداری امام حسین علیه السلام، آمار و ارقام واقعه عاشورا، و زندگی‌نامه یاران امام حسین علیه السلام^۱ در شمار این موضوعات هستند.

همچنین کتاب *وقعة الطف لأبی مخنف*، اثر *محمد هادی یوسفی غروی* به منظور احیای کتاب مفقود شده *مقتل الحسین*، نگارش *ابومخنف* مورد تحقیق قرار گرفته است. مؤلف با استخراج روایات *مقتل ابومخنف* از *تاریخ طبری* و مقایسه و تطبیق آن با منقولات شیخ مفید، *سبطین جوزی*^۲ و *ابوالفرج اصفهانی*^۳ از گزارش‌های منتسب به *ابومخنف* درباره اصول نگارش وی در پیشگفتاری مبسوط،^۴ به تفصیل سخن گفته و به ابعاد گوناگون نوشتار *ابومخنف*، از جمله روایان و دست‌خوردگی *مقتل* موجود تصریح کرده است.^۵

وی همچنین با عرضه مطالب غنی در پاورقی کتاب، به شناساندن اشخاص مذکور در متن و ارائه پیشینه مختصر آنان، اعراب‌گذاری واژگان نامأنوس، مقایسه برخی از گزارش‌های *ابومخنف* و مقاتل دیگر با روایت طبری همت گمارده است.^۶ علاوه بر این بازنمود ابهامات محتوای متن، از جمله کاستی‌های اخبار *ابومخنف*، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها و گاهی تحلیل مختصر منقولات، در شمار ابتکارات نویسنده است.

۲-۱-۳. رویکرد تحلیلی و عاشورا پژوهشی

اما شکل‌گیری انقلاب اسلامی و فعالیت‌های آغازین آن و نقش مؤثر علما و روحانیان حوزه علمیه قم در این حرکت و تلاقی آن با تألیف آثاری درباره عاشورا سبب شد تا رویکرد مذهبی سنتی شکل تازه‌ای به خود گرفته، آثار جدیدی در تطور مطالعاتی عاشورا پژوهی، شکل پژوهشی به خود بگیرد و از نقل صرف، به رویکردی پژوهشی تغییر مسیر دهد. با بررسی اهداف نگارش این دست آثار، شاید بتوان گفت: زمینه‌های عاشورا پژوهی در این دوره با رویکرد تحلیلی مبتنی بر دو عامل بوده است: عامل اول نگاه انتقادی، و عامل دوم نگاه سیاسی و انقلابی با ارائه الگو.

۱-۲-۳-۱. مطالعات تحلیلی انتقادی

براین اساس می‌توان برای برخی از این آثار با عامل انتقادی چنین ویژگی‌هایی را بیان کرد:

۱. همان، ج ۲، ص ۲۰۹، ۲۲۴، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۰۹.

۲. *تذکره الخواص من الامة بذکر خصائص الائمة* اثر *سبطین جوزی* (۶۵۴ ق) است.

۳. *مقاتل الطالبین و اخیارهم* (۳۱۳ ق) در شرح احوال ۲۱۶ تن از اولاد ابوطالب تألیف شده است.

۴. *محمد هادی یوسفی غروی*، نخستین گزارش مستند از *نهضت عاشورا*، ج ۱، ص ۱۲-۱۳.

۵. همان، ص ۶۰۸.

۶. همان، ص ۸۸ و ۹۵.

– حفظ اندیشه سنتی و ارائه منقولات تاریخی با تأکید بر تحلیل هدف‌شناسی عاشورا با اهتمام به آسیب‌های موجود در آثار گذشته؛^۱

– استفاده فراوان از منابع تاریخی سنی، شیعه، روایی و رجالی به همراه ارائه گزارشی روان و داستان‌واره از واقعه عاشورا، با اهتمام به سنجه‌های نقل تاریخی که از دیگر ویژگی‌های کتابت کمره‌ای است؛^۲

– نقد و بررسی دیدگاه‌های پیشین درباره وقایع پس از عاشورا با ارائه دیدگاه‌های جدید مبتنی بر یافته‌های جدید؛^۳

– تأکید بر هدف‌پژوهی و ماهیت‌شناسی قیام عاشورا با رویکرد تحلیلی و جریان‌شناسی بدون اکتفا به نقل صرف رخداد.

اما در میان این جریان، در حدود سال‌های ۱۳۴۹ش تألیف اثری از *صالحی نجف‌آبادی* با عنوان *شهید جاوید* نقش بسزایی در رشد مطالعات عاشورا پژوهی با رویکرد نقد دیدگاه مطرح شده در این کتاب، در این دوره داشت. مجموعه آثار چاپ‌شده در نقد بر این کتاب از سوی جریان مذهبی، بیانگر اهتمام این جریان به حفظ مرزهای کلامی و عقیدتی مرتبط با مسئله امامت و علم امام در واقعه عاشورا بوده است.

کتاب *شهید جاوید* صرفاً یک اثر تحلیلی درباره تاریخ قیام عاشورا نبود، بلکه به دنبال خود یک جریان تاریخی را در جامعه مذهبی شیعه در ایران معاصر به راه انداخت. این کتاب در شرایطی در جامعه شیعی ایران، به‌ویژه قم و دیگر شهرهای مذهبی رواج یافت که فضای حاکم بر جامعه پذیرای چنین تفکری نبود. از سوی دیگر، این اثر در ادامه ظهور جریان تجدیدنظرطلب در مذهب و نقد آموزه‌ها و باورهای مذهبی و دینی به چاپ رسید و مدعی مسائلی بود که به نوعی در مسیر باورهای آنان دانسته می‌شد. *صالحی نجف‌آبادی* که تمایلی نیز به تجدیدنظرطلبی داشت،^۴ آثار خویش را قبل از تدوین این کتاب به سمت مبارزه با غلو در مذهب، جهت داد.

کتاب *غلو (درآمدی بر افکار غالبان در دین)* که مجموعه درس‌های قبل از انقلاب وی بود و بعدها در اواخر عمر وی به چاپ رسید، گویای این بُعد از تفکرات اوست. در واقع این تفکر بستر تألیف کتاب *شهید جاوید* شده بود. نفی علم امام و ارائه رویکرد سیاسی برای ماهیت قیام امام سبب شکل‌گیری جریانی برای مقابله با کتاب *شهید جاوید* و ادعاهایش شد؛ جریانی که غالباً از سوی نویسندگان سنتی در حوزه علمیّه شکل گرفته و به

۱. میرزاخلیل کمره‌ای، *عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن*، ج ۷، ص ۲۶۰.

۲. چنان که در کتاب *یک شب و روز عاشورا*، ضمن تلاش مؤلف برای بهره‌مندی ابزار نقل، از منابع کهن تاریخی (مانند گزارش‌های اومخنف، مسعودی، یعقوبی، طبری، شیخ مفید و دیگران) با توصیف خبر، صحت و سقم آن را نیز بررسی می‌کند. وی در نقل نامه سوم که از سوی امام به عمر سعد نوشته شد ضمن التفات به منابع گوناگون، همچون *الارشاد*، *مقاتل الطالبیین*، *تاریخ طبری* و مانند آن به پژوهش در این زمینه پرداخته و در نهایت به این نتیجه دست یافته که برخی از جملات نامه سوم توسط عمر سعد جعل شده و برای ابن‌زبیر ارسال گردیده است (ر.ک: میرزاخلیل کمره‌ای، *یک شب و روز عاشورا*، ص ۱۳۹).

۳. سیدمحمدعلی قاضی طباطبائی، *تحقیق درباره اربعین اول سیال‌شهادت*، ص ۳۲-۳۷.

۴. این مطلب را از نوع تحلیلی و نوع مقابله‌ی وی با خرافات و پندارها و نگرش وی به مسئله علم امام و مانند آن می‌توان پی برد.

تدریج طرفدارانی از عاظم و منبری‌ها پیدا کرده بود. مخالفت اصلی و جدی با این کتاب از سوی بزرگان علما و مراجع وقت، به‌ویژه علامه طباطبائی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله مرعشی نجفی [و دیگر علمای تراز اول حوزه علمیه] صورت گرفت.^۱

این اثر که کوشیده است تا از زاویه جدیدی به عاشورا و ماهیت قیام امام حسین علیه السلام بنگرد، که همین منجر به ارائه قرائت جدید سیاسی با هدف تشکیل حکومت و رد نیت شهادت از قیام امام حسین علیه السلام شد؛ قرائتی که در درون خود مستلزم انکار علم امام معصوم نسبت به آینده وقایع پیش‌رو در سفر به عراق نیز بود. این نوع تفسیر از ماهیت عاشورا پس از تقریظی که دو تن از علمای وقت (آقایان مشکینی و منتظری) بر این کتاب زدند، به تدریج منجر به صف‌آرایی دو گروه از طرفداران آیت‌الله خوئی و امام خمینی شد.^۲

ایجاد چنین فرصتی برای مخالفان حوزه و روحانیت بسیار مغتنم بود. در نتیجه، حکومت تلاش کرد تا از یکی از این گروه‌ها که گرایش انقلابی نداشتند، حمایت کند و این کتاب را بهانه‌ای برای ضربه زدن به جریان انقلابی قرار دهد. از این‌رو بیست هزار نسخه از این کتاب در سال ۱۳۵۰ش توسط «ساواک» چاپ و توزیع شد تا در تفرقه مؤثرتر باشد.^۳

کتاب **شهید جاوید** و اندیشه‌های آن پس از ترور آیت‌الله شمس‌آبادی در جامعه گسترش پیدا کرد. در پی مخالفت‌هایی که با این اثر می‌شد و فرصتی که «ساواک» پیدا کرده بود، این ترور اتفاق افتاد. در نتیجه، ترور به نام **شهید جاوید** و به علت مخالفت با این کتاب و اندیشه‌های آن از سوی روزنامه‌های وقت نوشته شد و با توجه به اینکه حامیان این کتاب از طیف انقلابیان و طرفداران امام خمینی علیه السلام بودند، «ساواک» قاتلان آیت‌الله شمس‌آبادی را طرفداران امام خمینی علیه السلام و کتاب **شهید جاوید** معرفی کرد^۴ و بدین‌روی **شهید جاوید** از یک بحث علمی به یک تنش سیاسی تبدیل شد.

پس از انتشار و توزیع گسترده این کتاب، نقدهای زیادی از سال‌های اولیه انتشار آن، یعنی از ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ در محافل مذهبی نوشته شد و حتی در محافل روضه نیز توسط سخنرانان مطرح گردید. رسول جعفریان در کتاب خود از قریب ۲۵ نقد بر **شهید جاوید** از سوی عالمان بنام حوزه علمیه نام برده^۵ که برخی از این نقدها وسیع و برخی در

۱. رک: رسول جعفریان، *تأملی در نهضت عاشورا*، ص ۲۴۵؛ محمدهدی امامی، *زندگینامه آیت‌الله العظمی گلپایگانی*، ص ۱۲۱.

۲. رسول جعفریان، *تأملی در نهضت عاشورا*، ص ۲۴۶.

۳. محمدهدی امامی، *زندگینامه آیت‌الله العظمی گلپایگانی*، ص ۱۲۱؛ غلامرضا کرباسچی، *هفت‌هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی*، ج ۱، ص ۴۳۹.

۴. عناوین روزنامه‌های کیهان و اطلاعات، روز شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۵ش.

۵. رسول جعفریان، *تأملی در نهضت عاشورا*، ص ۷۵۰-۷۵۱. از جمله رده‌ها بر کتاب **شهید جاوید**: آیت‌الله رفیعی قزوینی در یک متن در صفحه‌ای؛ علامه سیدمحمدحسین طباطبائی در رساله «بیتی کوتاه درباره علم امام»؛ آیت‌الله فضل و اشراقی در کتاب *یاساران وحی*؛ سیداحمد فهری زنجانی در کتاب *سالار شهیدان*؛ سیدمحمد مهدی مرتضوی در کتاب *تحقیق عمیق‌تر در موضوع قیام امام حسین*؛ رضا استادی در کتاب *سرگذشت کتاب شهید جاوید*؛ آیت‌الله صافی گلپایگانی در کتاب *شهید آگاه*؛ سیدمحمد نوری موسوی در کتاب *پرتو حقیقت*؛ آیت‌الله حاج شیخ محمد کرمی در جزوه‌ای به ضمیمه جزء دوم شرح *نهج البلاغه* وی؛ محمدتقی صدیقین اصفهانی در حسین و پذیرش دعوت؛ سه

حد یک یا دو صفحه بوده است. در پاسخ به نقدهای نوشته شده، *صالحی نجف‌آبادی* در سال ۱۳۵۵ش کتاب *عصای موسی، در نقد نقدها* را نوشت که به سبب ممانعت حاکمیت وقت، با تغییراتی به راه اعتدال و با اسم مستعار *عبدالله مظلوم* چاپ شد، ولی اجازه توزیع نیافت.^۱

رویکرد پژوهشی به عاشورا که در دامن نقد بر کتاب *شهید جاوید* رشد فزاینده‌ای در حوزه علمیّه و دیگر مجامع علمی پیدا کرده بود، زمینه‌ساز تغییرات جدی در عاشوراپژوهی در نیمه دوم سده اخیر در ایران شد. در همین زمینه بود که برخی از مراجع تقلید و فقهای بنام وارد عرصه عاشوراپژوهی شدند و عاشوراپژوهی از انحصار مطالعات تاریخی خارج گردید.

کتاب *حسین* علیه السلام *شهید آگاه و رهبر نجات‌بخش اسلام*، اثر *آیت‌الله لطف‌الله صافی* (۱۴۰۰-۱۳۹۷ش) از مراجع تقلید معاصر و با هدف پاسخ به نظریه مؤلف *شهید جاوید* در حدود سال ۱۳۴۹ش تألیف شد.^۲ اصول نظری نگارش کتاب مزبور مبتنی بود بر:

- حفظ مبانی کلامی و تأکید بر اصول مذهب شیعه و احادیث معتبر^۳ و عدم کفایت اسناد تاریخی در عاشوراپژوهی؛

- نقص عقل بشری در درک مفاهیم و اهداف و اسباب رفتار پیشوایان دین و نفی وجوب شناخت آن برای همگان؛^۴

- تکیه بر نظریه شهادت‌طلبی در بحث ماهیت‌شناسی قیام عاشورا و نفی هرگونه بررسی قیام از مجاری طبیعی؛^۵
- مسلم بودن علم امام و آگاهی نسبت به «ما کان و مایکون»^۶ با استفاده از منابع تاریخی شیعه و اهل سنت.
همچنین کتاب *هفت‌ساله چرا صدا درآورد؟ از آیت‌الله علی‌پناه اشتهاردی* (۱۳۸۷-۱۳۹۶ش) در نقد کتاب *شهید جاوید* تألیف گردید. نگارنده در روش نقادانه خویش، بر نقد سندی و محتوایی و تکیه بر مسائلی، از جمله

تن از فضایی حوزه علمیّه قم (محمدحسین اشعری، حسین کریمی، سیدحسن آل‌طه) در یک بررسی مختصر *پیرامون قیام مقدس شهید جاوید حسین‌بن علی* علیه السلام؛ شیخ علی کاظمی در *راه سوم*؛ میرزاابوالفضل زاهدی قمی در *مقصد الحسین*؛ عطائی خراسانی در *افسانه کتاب (نقد شهید جاوید)*؛ محمدعلی انصاری در *دفاع از حسین شهید*؛ عبدالصاحب محمدمهدی مرتضوی لنگرودی در *جواب او از کتاب او!*؛ شیخ علی‌پناه اشتهاردی در *هفت‌ساله چرا صدا درآورد؟*؛ محمد یزدی در *حسین‌بن علی را بهتر بشناسیم* که در بخشی از کتاب خود به نقد *شهید جاوید* پرداخته است؛ شهید مرتضی مطهری در *حماسه حسینی*، دکتر علی شریعتی در *حسین وارث آدم* که در بخشی به نقد *شهید جاوید* پرداخته است؛ و حاجی شیخ جعفر صبوری قمی، در *عقده گشوده (پیرامون کتاب شهید جاوید)*.

۱. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، *توطئه شاه بر علیه امام خمینی*، ص ۱۸۴-۱۸۵.

۲. لطف‌الله صافی گلپایگانی، حسین علیه السلام *شهید آگاه و رهبر نجات‌بخش اسلام*، مقدمه (با خواننده).

۳. همان، ص ۸۰.

۴. همان، ص ۲۵ و ۲۴.

۵. همان، ص ۲۹.

۶. همان، ص ۱۱۰.

بی‌توجهی به آراء بزرگان شیعه (شیخ صدوق، سیدبن طاووس، شیخ عباس قمی و مانند آنها) و نپذیرفتن دیدگاه‌های متعصبان (ابن‌خلدون، طبری، ذهبی و مانند آنها)^۱ تأکید دارد. وی با اصل قرار دادن چارچوب باورهای کلامی شیعه،^۲ به ایرادهای تفاسیر ارائه‌شده از سوی صالحی همت گماشته است.

تحریف در نقل و ترجمه؛^۳ تقطیع متن سند و استنتاج براساس آن؛^۴ بی‌توجهی به تغییر واژه‌ها در سند؛ تقطیع محتوای سند و استنتاج بر پایه آن؛^۵ بی‌توجهی به جغرافیای تاریخی، سهل‌انگاری نسبت به اصالت سند (در سندپژوهی)؛^۶ اشتباه در تحلیل داده‌های پیش‌فرض؛^۷ تحریف لفظی و معنوی^۸ و مانند آن؛ مخالفت با نظریه «تشکیل حکومت» با تکیه بر آیات قرآن؛^۹ و اعتقاد به علم امام در حوادث پیش‌رو از گزاره‌های مهم اشتهاردی در نقد کتاب مزبور است.^{۱۰} نیز حفظ جان و پذیرش دعوت کوفیان^{۱۱} و در نگاه کلی، عمل به وظایف محول شده برای امام^{۱۲} مهم‌ترین مسائل مدنظر مؤلف بوده است.

در این بین، اما برخی از کتاب‌ها نیز با بهره‌گیری از روش‌هایی متفاوت و - البته کمتر علمی - نیز فرصت تدوین یافتند. کتاب **دفاع از حسین شهید: رد بر کتاب شهید جاوید**، از دیگر رده‌ها بر **شهید جاوید** از حجت‌الاسلام محمدعلی انصاری قمی (۱۳۶۳-۱۳۹۰ ش) بود. مؤلف با ادبیاتی تند و با کار بردن برخی کلمات نامناسب،^{۱۳} در تحریر علمی نوشتار تردید کرد. وی دیدگاه منفی نسبت به منابع تاریخ و نسبت به مؤلفان آنها و نیز به نواصب و دشمنان اهل بیت (ع) و بهره‌گیری از این منابع توسط **صالحی نجف‌آبادی** را مهم‌ترین علت بی‌اعتبار دانستن محتوای **شهید جاوید** بیان کرد.^{۱۴}

۱. علی‌ناله اشتهاردی، هفت‌ساله چرا صبا درآورد؟: ص ۵۵ و ۶۱.

۲. همان، ص ۱۱۷ و ۱۸۶-۱۸۸.

۳. همان، ص ۲۰۸ و ۲۲۹.

۴. همان، ص ۱۲۱ و ۱۳۴.

۵. همان، ص ۲۱۷ و ۲۱۹.

۶. همان، ص ۲۲۲-۲۲۳.

۷. همان، ص ۲۳۵ و ۲۶۱.

۸. همان، ص ۳۴۰ و ۲۱۴.

۹. رک: همان، ص ۱۶۲ و ۱۶۷.

۱۰. غرض اصلی از بعثت و ارسال آنها به سوی مردم دعوت به توحید بوده است (رک: همان، ص ۱۷۳).

۱۱. همان، ص ۱۹۲ و ۱۹۱.

۱۲. همان، ص ۱۹۴.

۱۳. محمدعلی انصاری قمی، **دفاع از حسین شهید: رد بر کتاب شهید جاوید**، مقدمه، ص سی‌ویکم تا سی‌وهفتم.

۱۴. همان، ص ششم.

او همچنین در اعتبارسنجی منابع تاریخی و ادعای شهید جاوید مبنی بر بهره‌مندی اجتهادی از گزارش‌های تاریخی،^۱ به کتاب طبری اشاره می‌کند که بیشتر مستندات آن برگرفته از گزارش‌های عبدالله بن سبأ و سیف بن عمر بوده است.^۲ از این رو اجتهاد در مسائل تاریخی را مانند فقه و تفسیر، به سبب نبود ملاک‌های اعتبارسنجی صحیح در اسناد تاریخی (مانند فقه) نمی‌پذیرد.^۳

روح حاکم بر مباحث کتاب، عقاید کلامی نویسنده است. وی علم امام را ذره‌ای از علم خداوند و مانند علم انبیا می‌داند و معتقد است: علم اهل بیت علیهم‌السلام به غیب، به اذن خداست.^۴ در این زمینه، او با پرداختن به تعامل و تقابل کلام و تاریخ، داده‌های تاریخی را که برخلاف اعتقادات باشد، از اعتبار ساقط می‌داند.^۵ انصاری قمی تصریح دارد که مؤلف شهید جاوید در نوشته‌های پیشین خود، بارها تغییر نظر داده^۶ و در واقع، عدم ثبات فکری وی را مؤیدی دیگر بر رد نظریاتش بیان می‌کند.

۲-۲-۱-۳. مطالعات سیاسی و انقلابی با ارائه الگو

دسته‌ای دیگر از مطالعات صورت‌گرفته در حوزه علمیّه قم، مطالعات بر پایه تبیین زمینه‌ها و عوامل رخداد عاشورا به همراه تحلیل اهداف و فلسفه قیام عاشورا است. این دست مطالعات در سیر تاریخی مطالعات عاشورا ظهوری تازه یافته و به همین سبب مطالعات حوزه علمیّه قم در این زمینه، بی‌بدیل می‌نماید. در بحبوحه انقلاب اسلامی ایران، به‌ویژه در آغازین روزهای فعالیت سیاسی، گروه‌های مردمی، روحانیان و دانشگاهیان به زعامت جریان روحانیت، پا به عرصه سیاست و تغییر ساختار حاکمیت گذاشته بودند. در چنین اوضاعی ارائه الگوی انقلابی از یک‌سو و الگوی صحیح و پیراسته از خرافات از سوی دیگر ضروری می‌نمود.

فعالیت‌های فراوانی از سوی جریان انقلاب در تاریخ ۵۰ سال اخیر از ۱۳۴۲ش به بعد صورت گرفته است. مجموعه سخنرانی‌های رهبران انقلابی و همچنین دیگر فعالان در دسته‌های دیگر، به خوبی بیانگر چنین ضرورتی بود. در این میان آثار قابل‌توجهی از روحانیان حوزه علمیّه قم برجای ماند. همان‌گونه که گفته شد، پیراسته بودن نماد انقلاب و در کنار الگو بودن، موضوع مهمی بود.

کتاب **حماسه حسینی**، اثر شاخص این دوره، با هدف پالایش باورهای عاشورایی از انحرافات و ارائه الگوی

۱. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، تطبیق قیام امام حسین علیه‌السلام با موازین فقهی، در قضاوت زن در فقه اسلامی، ص ۶

۲. محمدعلی انصاری قمی، دفاع از حسین شهید: ردّ بر کتاب شهید جاوید، ص ۶۰-۶۵

۳. همان، ص ۶۸

۴. همان، ص ۲۷

۵. همان، ص ۶۹

۶. به نمونه‌های مطرح‌شده توسط انصاری قمی می‌توان نقد ابن‌اعثم و عالمان شیعی (مثل سیدین طاووس، مجلسی، و محدث قمی) را که توسط صالحی در مجله معارف جعفری (سال

زیست سیاسی و اجتماعی از عاشورا نگاشته شده است. این اثر مجموعه سخنرانی‌ها و یادداشت‌های شهید مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸ش) در خلال سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۵۶ش است. ایشان به‌عنوان یک اندیشمند و عالم سنتی دینی، با رویکرد نواندیشی، برای مطابقت آموزه‌های دینی با نیازهای روز، به بررسی عاشورا از چند منظر پرداخت و با تأکید بر نظریه «امر به معروف و نهی از منکر»، در تداوم نظریه‌پردازی مطالعات عاشورایی تاریخ معاصر بستر ساز نگرش سیاسی و انقلابی شد.

این کتاب امتزاجی از دو تفکر سنتی بر مبنای علوم دینی حوزوی و نواندیشی معارف دینی بر پایه علوم جدید بوده که بیانگر تبیین و تحلیل واقعه عاشورا، با بازنمایی مباحث هدف‌شناسی و آسیب‌شناسی دیدگاه‌ها و باورهای منتسب به آن است که از این نظر، از جریان روشنفکری متمایز می‌گردد؛ زیرا جریان نواندیشی در دوره پهلوی با تمسک به عقل و پذیرش دیدگاه‌های دین‌گریز غرب، نقد و رد اصل مذهب را هدف قرار داد، درحالی که شهید مطهری با اتکا بر آراء و باورهای فلسفی و کلامی، به تصحیح باورهای ناصحیح و تحریف‌های صورت‌گرفته همت گمارد.

ایشان به‌رغم دیدگاه‌های مطرح‌شده در هدف قیام عاشورا (مانند شهادت‌طلبی و تشکیل حکومت) هدف قیام را «قامه امر به معروف و نهی از منکر» دانست و آن را مهم‌ترین عنصر از عناصر سه‌گانه دخیل (بیعت، دعوت کوفیان، امر به معروف) در ساختمان نهضت عاشورا معرفی نمود. پیش‌فرض‌های کلامی ایشان در مطالعات عاشورایی، سبب اثرپذیری تحلیل‌های نگارنده گردیده است؛ چنان‌که از این منظر، ایشان معتقد است: حتی اگر دو عامل دیگر (یعنی بیعت و دعوت) نیز وجود نداشت، باز هم امام به حرکت خود به‌گونه‌ای دیگر ادامه می‌دادند.^۲

نگاه عاشوراپژوهی مؤلف مبتنی بر نگرش فلسفه تاریخ است. بر این اساس، عاشورا یک محرک تاریخ بشری بوده که با دمیدن حیات تازه در عالم اسلام، حمیت و غیرت را بازسازی کرده است و با مفهوم «شهادت» در گستره کارکرد اجتماعی که عصر اموی بدان دست یافت، به اصلاح مبانی و مفاهیم نادرست جامعه خیز برداشت.^۳

تحریف‌شناسی شهید مطهری نیز بر پایه نگاه فلسفی ایشان استوار بود. از این منظر، امام حسین علیه السلام به‌عنوان یکی از شخصیت‌های ربانی، دارای منطق و سبک زندگی خاص، سزاوار الگومایی برای جوامع بشری است. در نتیجه پذیرش نگرش ذکرشده، جنبه‌های آسمانی و عرفانی عاشورا خرافی و غیرعقلایی قلمداد نمی‌گردد؛ زیرا امام در عین عاقل بودن، عاشق و عارف است و آسمانی بودن امام و پذیرش جنبه‌های عرفانی و فوق عقل عادی، ایشان را از الگو بودن خارج نمی‌کند.^۴

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ص ۲۱۱-۲۱۲.

۲. همان، ص ۲۱۴.

۳. همان، ص ۵۲.

۴. همان، ص ۲۴۶.

همچنین اهتمام مؤلف بر تحریفات و دست‌بندی آن به لفظی (تغییرشکلی و ظاهری)، معنوی (تغییر مقصد و مقصود) و موضوعی (تحریف در شخصت ائمه)^۱ حاکی از آن است که ایشان در عین گزینش ملاک‌ها و معیارهای تحریفات، عقل منطقی و نقل را معتبر دانسته، بر اعتبار اسناد و روایات تاریخی عاشورا، از همان اوان تاریخ‌نگاری باور دارد.^۲

بازشناسی الگوهای تربیتی عاشورا و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن در تاریخ، این اثر را علاوه بر یک محقق، در مقام یک عالم دینی نیز صیانت کرده است. توجه به کارکردهای دین و مذهب و تطابق آن با مسائل روز، در بهره‌مندی از گزارش‌های عاشورا و روش بررسی تاریخی داده‌ها و اطلاعات آن با هدف حراست از آثار و دستاوردهای عاشورا، از خدمات نگارنده به اسلام است.

همان‌گونه که گفته شد، نقش حوزویان، به‌ویژه روحانیت در حوزه علمیّه قم در واقعه قیام علیه دستگاه پهلوی، در تاریخ معاصر پررنگ است. در این میان، برخی از انقلابیان با رویکرد سیاسی و انقلابی به تدوین آثاری درباره عاشورا و تبیین فلسفه قیام عاشورا پرداختند.

نویسنده در جست‌وجوی چرایی و عوامل اصلی نهضت، ضمن تشریح انحراف خلفا از مسیر واقعی اسلام، بررسی شرایط اجتماعی زمان قیام را از ملزومات پژوهش عنوان کرده است.^۳ در این باره، با گزارش برخی عوامل اجتماعی، همچون تبعیض‌های نژادی و طبقه‌بندی اجتماعی دوره خلفا،^۴ انتصاب معاویه به حاکمیت سیاسی،^۵ تغییر ملاک‌های جانشینی در تعیین رهبری،^۶ تصرف اموال عمومی در دوره عثمان،^۷ تجاوز، و هتک قوانین دینی،^۸ به تشریح علل زمینه‌های مشکلات زمامداری امام علی^{علیه السلام} پرداخته و با تصدیق میراث دوران حکومتی سه خلیفه اول که در تربیت‌یافتگان آنان تجلی یافته بود، به ناتوانی تحمل اصلاحات علوی جامعه در دوران خلافت امیرالمؤمنین^{علیه السلام}^۹ تصریح دارد. سپس تداوم این شرایط در عصر امام حسن^{علیه السلام} و نهادینه شدن تفکر اموی در جامعه^{۱۰} را از علل مطرح در بسترهای وقوع نهضت عاشورا بیان می‌نماید.^{۱۱}

۱. همان، ص ۵۸۳ و ۶۹.

۲. همان، ص ۷۹.

۳. عبدالکریم هاشمی‌نژاد، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، ص ۷.

۴. همان، ص ۱۰.

۵. همان، ص ۱۵.

۶. همان، ص ۱۶.

۷. همان، ص ۲۵.

۸. همان، ص ۳۷.

۹. همان، ص ۴۳.

۱۰. همان، ص ۶۶.

۱۱. همان، ص ۷۷.

کتابت هدفمند نویسنده و تطبیق شرایط قیام با دوره معاصر خویش، از مشغله فکری وی برای دستیابی به علاج و رهایی از گرفتاری‌های درون‌مرزی حکایت دارد. در این زمینه با همسان خواندن شرایط کنونی با دوران معاویه، درصدد توجیه تحرک بر علیه ساختار سیاسی وقت بود که این ادعا به سبب مبارزات انقلابی ایشان علیه نظام وقت، قابل بررسی است.

بی‌تردید آثار فراوانی از گروه‌های انقلابی، به‌ویژه روحانیت، با هدف تبیین واقعه عاشورا و ارائه ابعاد آن در جهت تبیین الگوی انقلاب تدوین شد. ولی با توجه به محدودیت ارائه در این پژوهش، به همین دو اثر اکتفا گردید.

نتیجه‌گیری

مطالعات انجام‌شده توسط روحانیان حوزه علمیه قم در یکصد سال گذشته در حوزه تاریخ عاشورا، گامی نوین در تکامل آن به‌شمار می‌آید. تنوع آثار عاشورایی که برآمده از زمینه‌ها و عوامل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بوده، رویکرد جدیدی به مقتل‌نگاری سنتی دوره گذشته بوده که جان تازه‌ای به مطالعات عاشورا بخشیده است. وجود جریان‌های فکری و همچنین سیاسی در این دوره و تأثیر آن بر شکل‌گیری آثار متنوع درباره عاشورا، سبب شد تا گونه‌شناسی مطالعات عاشورا در این دوره مدنظر قرار گیرد.

وجود جریان سنتی و دو جریان مذهبی و دگراندیش دینی در میان حوزه علمیه قم، سبب شد تا مطالعات برجای‌مانده مطابق مبانی هر دو جریان، شکل خاصی به خود بگیرد. وجود خرافات در باورهای مذهبی که سبب رشد نگاه نقادانه به دین و مذهب در این دوره شده بود، توسط جریان دگراندیش، نگاهی نقادانه به آیین‌های عاشورایی و همچنین تاریخ‌نگاری عاشورا داشته است.

جریان مذهبی که بر پایه باورهای سنتی و اهتمام به حفظ مبانی دینی در عرصه عاشورانگاری قدم نهاده بود، هم‌آثاری با محتوای رخدادی و هم‌آثاری با محتوای تبیین و تحلیل عاشورا و به بیان دیگر، عاشوراپژوهی از خود برجای گذاشت. رشد فعالیت‌های سیاسی در آغازین روزهای انقلاب اسلامی و ضرورت معرفی الگویی دینی و الهی برای مقابله با ساختار حاکمیت وقت، عاملی شد تا «عاشورانگاری» با رویکرد مقتل‌نگاری در حوزه علمیه جای خود را به «عاشوراپژوهشی» در قبل و پس از انقلاب اسلامی بدهد و از این‌رو عاشورا با رویکردهای جدیدی مدنظر قرار گرفت. اعتماد به الگوی ارائه‌شده از عاشورا، ضرورت پیرایش باورهای خرافی از عاشورا را به دنبال داشت. از این‌رو آثار فراوانی برای مقابله با خرافات در حوزه علمیه قم در جهت تبیین چهره واقعی از عاشورا به ثبت رسید.

بنابراین و با توجه به گونه‌های مختلف این مطالعات در تطور عاشورانگاری، این پژوهش به این نتیجه دست یافت که در سده اخیر، با وجود پژوهش‌های صورت‌گرفته در قرن‌های گذشته، مطالعات حوزه علمیه قم با ارائه رویکرد تبیین رخداد و تحلیل فلسفه قیام عاشورا، نقشی تکاملی در فرایند عاشورانگاری در تاریخ این دست از مطالعات داشته است.

منابع

- آیتی، محمدابراهیم، *بررسی تاریخ عاشورا*، به کوشش مهدی انصاری، قم، امام عصر، ۱۳۸۱.
- استادی، رضا، *سرگذشت شهید جاوید*، قم، قدس، ۱۳۸۳ ق.
- استوری، جان، *مطالعات فرهنگی در فرهنگ عامه*، تهران، آگه، ۱۳۹۵.
- اشتهاردی، علی پناه، *هفت‌ساله چرا صدا درآورد؟* قم، چاپخانه علمیّه، ۱۳۹۱ ق.
- امامی، محمدمهدی، *زندگینامه آیت‌الله العظمی گلپایگانی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- انصاری قمی، محمدعلی، *دفاع از حسین شهید رذّ بر کتاب شهید جاوید*، قم، چاپخانه مهر استوار، ۱۳۵۰.
- آدمیت، فریدون، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹.
- _____، *اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی*، تهران، چاپ پیام، ۱۳۵۷.
- باشی، رحمت‌الله، *تاریخ‌نگاری محدث قمی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- پورفرد، مسعود، *صورت‌بندی روشنفکری در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۲.
- توسلی، غلامعباس، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، سمت، ۱۳۶۹.
- جعفریان، رسول، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۵۷*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۳.
- _____، *تأملی در نهضت عاشورا*، قم، مورخ، ۱۳۸۶.
- حائری مازندرانی، محمدمهدی، *معالی السیطین*، قم، شریف رضی، ۱۳۶۷.
- حسینی، سیدمحمد، *آسیب‌شناسی مطالعات معاصر عاشورا (از پهلوی اول تا انقلاب اسلامی ۱۳۰۵-۱۳۵۷ ش)*، رساله دکتری دانشکده شیعه‌شناسی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۷.
- _____، «دگراندیشی و نقش آن بر مطالعات عاشورا در دوره معاصر»، *تاریخ اسلام*، ۱۳۹۹، دوره بیست و یکم، ش ۸۱، ص ۶۷-۱۰۴.
- حکمی‌زاده، علی‌اکبر، «فداری برای دین»، *همایون*، ۱۳۱۲، ش ۸.
- _____، «منبر و روضه‌خوانی، همایون»، ۱۳۱۴، ش ۸، ص ۲۲-۲۳.
- خالصی‌زاده، محمد، *رسائل سیاسی آیت‌الله شیخ محمد خالصی‌زاده*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- _____، *فلسفه قیام مقدس حسینی*، به قلم حیدرعلی قملداران، قم، بی‌نا، تاریخ مقدمه ۱۳۸۲ ق.
- خرقانی، سیداسدالله، *محوالموهوم و صحوالمعلوم*، بی‌جا، ناشر غلامحسین نورمحمدی خمسه‌پور، بی‌تا.
- دباغ، هاشم، *صفحات مشرقه من الجهاد الدینی و السیاسی لعلماء العراق*، طهران، هاشم الدباغ، ۱۳۷۷.
- زهره کاشانی، علی‌اکبر، *تاریخ ۱۲۰۰ ساله حوزه علمیّه قم (با رویکرد آموزشی و پژوهشی)*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.
- شریعت سنگلجی، محمدحسن، *محوالموهوم*، تهران، تابان، ۱۳۲۳.
- _____، *توحید عبادت*، تهران، دانش، ۱۳۴۵.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *حسین شهید آگاه و رهبر نجات‌بخش اسلام*، تهران، کتابخانه صدر، بی‌تا.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله، *توطئه شاه بر ضد امام خمینی*، نجف‌آباد، مؤسسه رسا، ۱۳۶۳.
- _____، *تطبیق قیام امام حسین یا موازین فقهی در قضاوت زن در فقه اسلامی*، تهران، امید فردا، ۱۳۸۶.
- طباطبائی، سیدمحسن، *گونه‌شناسی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورایی ز مشروطه تا انقلاب اسلامی (۱۲۸۵-۱۳۵۷ ش)*، رساله دکتری، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۸.
- قاضی طباطبائی، سیدمحمدعلی، *تحقیق درباره اربعین اول سیدالشهداء*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
- قمی، شیخ عباس، *نفس المهموم*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای (با عنوان، *رموز الشهادت*)، تهران، اسلامیّه، ۱۳۶۳.

- کاظمی، عباس، *جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران*، تهران، طرح نو، ۱۳۸۷.
- کرباسچی، غلامرضا، هفت‌هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- کسروی، احمد، *در پیرامون اسلام*، تهران، چاپخانه پیمان، ۱۳۳۳.
- _____، *شیعه‌گری*، تهران، چاپخانه پیمان، ۱۳۳۳.
- کمره‌ای، میرزاخلیل، *عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن*، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۹.
- _____، *یک‌شب و روز عاشورا*، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۹.
- گروهی از تاریخ‌پژوهان، *تاریخ قیام و قتل جامع سیدالشهدا*، زیر نظر مهدی پیشوایی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
- مطهری، مرتضی، *حماسه حسینی*، چ هفدهم، تهران، صدرا، ۱۳۹۲.
- ولی‌پور، محمد، «تحلیلی بر نگرش‌های عاشوراپژوهی در آثار خاندان آیتی بیرجندی»، *مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*، ۱۳۹۹، دوره چهاردهم، ش ۴، ص ۱۴۹-۱۷۰.
- هاشمی‌نژاد، عبدالکریم، *درسی که حسین به انسان‌ها آموخت*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.
- یوسفی غروی، محمدهادی، *نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا*، ترجمه و تدوین جواد سلیمانی امیری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷.

